

پرداخت دیه، حبس و شلاق تاوان قتل همکلاسی



پسر جوانی که همکلاسی‌اش را به قتل رسانده بود، با جلب رضایت اولیای دم به پرداخت دیه، حبس و شلاق محکوم شد. به گزارش جوان، ۹۰ خردادسال ۹۷، مأموران پلیس تهران از مفقود شدن پسر ۲۴ ساله به نام کیوان باخبر شدند و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. مادر کیوان به مأموران گفت که پسرش روز گذشته همراه یکی از دوستانش به نام آرش از خانه بیرون رفته‌است و دیگر بازنگشته‌است.

به این ترتیب آرش به عنوان اولین مظنون بازداشت شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او در همان بازجویی‌های اولیه به قتل همکلاسی‌اش اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «من و کیوان در یک مدرسه تحصیل می کردیم، او قابل اعتماد مسئولان مدرسه بود به همین خاطر کلید بعضی دفاتر مدرسه را داشت تا اینکه فهمیدم به سوالات امتحانی دسترسی دارم. این شد که سرافش رفتم و باب دوستی ما باز شد. رفاقتمان ادامه داشت تا اینکه یکی از عکس‌های خصوصی‌ام به دستش افتاد. همین بهانه‌ای شد تا هر بار با

تهدید به من تعرض کند.»

متهم در خصوص قتل گفت: «مدتی بود متوجه شده بودم مقتول برای خواهرم ایجاد مزاحمت می کند. این شرایط خیلی مرا اذیت می کرد. از طرفی نمی‌خواستم غرورم مقابل خاتون‌ادم بشکند این شد که تصمیم گرفتم خودم با کیوان تسویه حساب کنم، به همین خاطر روز حادثه با ماشین دنبالش رفتم. وقتی کیوان سوار ماشین شد به طرف فرودگاه امام رفتم. در راه او دوباره شروع به تهدید کرده‌که خیلی عصبانی شدم به همین خاطر یک منت به سر و صورتش زدم و بعد هم با چاقو ضربه‌ای به او زدم که فوت کرد. سپس جسد را به محل خلوتی بردم و یک چاله کندم و جسد را داخل آن انداختم، سپس بنزین ریختم و آنرا آتش زدم. در

سرقت ۸میلیار دتومانی در مزون عروس اجاره‌ای

مجرم سابقه دار که با همدستی زن و مردی جوان در مزون عروس اجاره‌ای مشتریان را بیهوش و اموالشان را سرقت کرده اعتراف کرد که از این راه هشت‌میلیارد تومان به جیب زده‌اند. به گزارش جوان، ۲۹ مردادسال جاری زن جوانی با مراجعه به کلانتری ۱۲۴ قلهک از مرد جوانی که صاحب یک مزون لباس در یک مجتمع تجاری بود، به اتهام سرقت شکایت کرد و در توضیح گفت: «روز حادثه برای خرید لباس به یک مزون در مجتمع تجاری رفتم. در آنجا زن جوانی به بهانه پذیرایی یک آبمیوه تعارف کرد. آنرا برداشتم اما بعد از نوشیدن آن بیهوش شدم. ساعتی بعد که به هوش امدم متوجه شدم اثری از مزون لباس نیست و خودرو، دو دستگاه تلفن همراه و همه لوازمی که همراه داشتم سرقت شده‌است.»

با طرح این شکایت پرونده در اختیار پایگاه‌سوم پلیس قرار گرفت و در روند تحقیقات مشخص شد متهم بامدارک جعلی

آکهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب امیر نظری فرزند جواد به شماره شناسنامه ۱۱۷۶ صادره از تبریز در مقطع کارشناسی ناپوسته رشته مهندسی عمران صادره از واحد دانشگاهی بناب به شماره ۱۰۹۶۲۶۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب به نشانی آذربایجان شرقی ارسال نمایند. تبریز

آکهی مفقودی

مفقودی برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت تیپ 150CC مدل ۱۳۸۹ به رنگ نقره‌ای به شماره پلاک ایران ۹۷۷۱۷/۴۷۷۱۷ و شماره موتور *1000351 162FMJNET به شماره ۱۵0C8910520 NET*** مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آکهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) و کارت خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۹۱-۱۶۸ ی ۸۲ به شماره موتور ۳۱۷۶۸۷۷ و شماره شاسی S1422288119642 مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آکهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ TU5 مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۷۳-۷۱۵ د ۲۹ به شماره موتور 167B0063054 و شماره شاسی NAAP13EXKJ34893 متعلق به خانم مریم غلامی با کدملی ۴۴۴۰۶۵۴۹۶۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

پسری که پس از شهادت یک بسیجی بر اثر ضربه چاقوی او گر بخته‌بود، وقتی برای بررسی حادثه به محل بازگشت دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش جوان، محمد محمدی از بسیجیان فعال پایگاه مقاومت بسیج انصارالامام تهران شامگاه یک‌شنبه ۲۷ مهر وقتی متوجه درگیری چند مرد شرور با اهالی محل شد، برای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان میانجیگر وارد درگیری شد تا به نزاع خونین پایان دهد. این بسیجی جوان از عاملان درگیری که چهار مرد جوان هستند، درخواست کرد عفت کلام را در نظر عمومی که نوامیس مردم از آنجا عبور می کنند، رعایت کنند و دست از فحاشی و الفاظ رکیک بردارند که یکی از افراد شرور او را با چاقو هدف قرار داد و از محل گریخت. پس از این پیکر زخمی محمد محمدی برای درمان به بیمارستان منتقل شد، اما تلاش پزشکان نتیجه‌ای نداد و وی بر اثر عمق زیاد ضربه چاقو و پاره شدن ریه و قلبش به کام مرگ رفت. با اعلام خبر شهادت این بسیجی اعضای خانواده وی در اقدامی خدایسندانه اعضای بدن پسرشان را به چند بیمار نیازمند اهدا کردند و از سوی دیگر مأموران پلیس هم موفق شدند قاتل و عاملان این درگیری را خیلی زود به دام بیندازند.

آغاز ماجرا

آن شب با اعلام خبر قتل بسیجی ۴۰ ساله به دست اراذل و اوباش محل، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به محل حادثه در یکی از خیابان‌های منطقه تهرانپارس رفتند و تحقیقات خود را دربارہ این حادثه آغاز کردند.

تیم جنایی در محل حادثه در یافتند، لحظاتی قبل چهار مرد جوان که گفته می‌شود از اراذل و اوباش محل هستند در

گفت‌وگو با قاتل

فربرز چرا به هواخواهی راننده پژو وارد درگیری شدی و دست به قتل زدی؟

صاحب پژو صاحبکار بود که با زنی درگیر شده‌بود و اهالی محل هم از آن زن حمایت کرده بودند که من ناخواسته وارد درگیری شدم.

کجا کاری می‌کردی؟

من آدم بدبختی هستم و از دوران کودکی به خاطر هزینه زندگی مان دستفروشی می‌کردم و حتی به خاطر اینکه در خانواده فقیری بزرگ شدم، درس هم نتواندم تا اینکه هفت‌ماه پیش در آشنیز خانه تهیه غذایی به عنوان پیک موتوری استخدام شدم و سفارش غذا را به دست مشتریان

نزاع خونین بر سر مزاحمت‌های سگ همسایه

سه برادر قصاب وقتی دیدند مادرشان به خاطر ترس از سگ همسایه به سکنه کرده‌است، حیوان را کشتند و صا حبشش را زخمی کردند.

به گزارش جوان، چند روز قبل مرد جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از سه‌برادر قصاب به‌اتهام کشتن سگ قیمتی‌اش و ضرب و جرح خودش شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: من علاقه زیادی به حیوانات دارم به همین دلیل مدتی قبل سگ قیمتی خریده‌م و در خانم‌ام که طبقه‌سوم ساختمان مسکونی است نگهداری می‌کنم. چند روز قبل تصمیم گرفتم سگم را برای هواخوری بیرون ببرم که ناگهان سه برادر که در نزدیکی محل زندگی‌ام مغازه قصابی دارند با چاقو و قمه به من حمله کردند که سگ قیمتی‌ام را سرقت کنند. من از ترس به خانم‌ام پناه بردم که آنها هم وارد ساختمان و با من درگیر شدند که در این درگیری من زخمی شدم و سگم نیز با ضربات چاقوی آنها کشته شد. با طرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت برای رسیدگی در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مادر سه‌برادر به نام‌های شهاب، پیمان و بهرام در همان ساختمان محل زندگی شاکي

زندگی می‌کند و روز حادثه سه برادر به ساختمان محل سکونت مادرشان می‌روند و با شاکي درگیری می‌شوند و سگ او را با چاقو می‌کشند. بدین ترتیب سه‌متهم به دستور بازپرس پرونده دستگیر می‌شوند و به اداره پلیس منتقل شدند.

مادرمان از ترس سگ شاکي سکنه کرد

سه‌متهم در بازجویی‌ها منکر سرقت سگ شاکي شدند، اما به درگیری با شاکي و کشتن سگ او اعتراف کردند. شهاب گفت: شاکي و مادرمان همسایه هستند و او در طبقه‌سوم و مادرمان در طبقه دوم زندگی می‌کند. شاکي مدتی است سگی به محل زندگی‌اش آورده است و همیشه هم او را در ساختمان رها می‌کند که برای همسایه‌ها مزاحمت ایجاد می‌کند. سگ او داخل پله‌ها کثافت کاری می‌کند و صدای وق و قش آسایش و آرامش را از همسایه‌ها مخصوصاً مادرمان گرفته‌است. به همین خاطر همسایه‌ها به او تذکر داده بودند که سگش را از ساختمان مسکونی به محل دیگری منتقل کند، اما او به اعتراض‌های همسایه‌ها توجهی نمی‌کرد و حتی من خودم چند باری به او تذکر دادم و گفتم که مادرم از سگ می‌ترسد و از او خواشش کردم سگش را از ساختمان بیرون ببرد اما فایده‌ای نداشت.



آشنیز خانه تهیه غذا دارند که همراه سر آشنیز و بیک موتوری‌شان که پسر جوانی به نام فربرز است، مردی را به نام محمد محمدی به قتل رسانده‌اند.

بدین ترتیب تیم جنایی چهار مرد شرور را به عنوان مظنونان به قتل بسیجی جوان تحت تعقیب قرار دادند و ساعتی بعد موفق شدند سر آشنیز و سیروس را دستگیر کنند. دو متهم در

هم به هواخواهی از صاحبکارم وارد درگیری شد. چرا مرد میانجیگر را به قتل رساندی؟

وقتی درگیری ما بالا گرفت ما شروع به فحاشی کردیم که مقتول به عنوان میانجیگر وارد درگیری شد و از ما خواست فحاشی نکنیم. او گفت به خاطر نوامیس مردم که از آنجا عبور می‌کردند، درگیری را پایان دهیم و از الفاظ رکیک خودداری کنیم که با هم درگیر شدیم و من با چاقو ضربه‌ای به او زدم و وقتی خونین روی زمین افتاد فرار کردم.

چطور دستگیر شدی؟

چند ساعت بعد از طریق یکی از بستگانم متوجه شدم که مرد بسیجی فوت کرده است. آن شب تا صبح نخواستیدم و باورم نمی‌شد که دست به قتل زده‌ام تا اینکه عصر روز بعد دوباره

اهدای اعضای بدن بسیجی شهید به بیماران نیازمند

عامل شهادت بسیجی به محل حادثه بازگشت

بازجویی‌ها مدعی شدند که فربرز قاتل است و بعد از قتل هم به مکان نامعلومی گریخته است.

صاحب آشنیزخانه گفت: دقایقی قبل از درگیری خونین برادرم با زن جوانی به خاطر اینکه آینه خودرواش به دست آن زن برخورد کرده‌بود درگیر شد که اهالی محل از آن زن طرفداری کرده و به ماشین برادرم خسارت زده بودند. برادرم با من تماس گرفت و از من درخواست کمک کرد که همراه سر آشنیز با خودروی پرایدم به محل حادثه رفتم و بعد از ما هم فربرز با موتورسیکلتش به محل حادثه آمد. برادرم با نانوائی محل و چند نفر از اهالی محل درگیر شده بود که مرد بسیجی به عنوان میانجیگری وارد درگیری شد و از ما خواست در انظار عمومی عفت کلام را رعایت کنیم و به درگیری‌مان خاتمه دهیم که ناگهان فربرز با او درگیر شد و ضربه‌ای چاقو به او زد. مرد جوان خونین روی زمین افتاد که ما هم از ترس فرار کردیم و الان هم از فربرز و برادرم بی‌خبر هستیم.

اهدای اعضای بدن شهید به بیماران نیازمند

در حالی که خبرهای رسیده حکایت از آن داشت که اعضای بدن شهید محمد محمدی با موافقت خانواده‌اش به بیماران نیازمند اهدا شده‌است، مأموران پلیس تحقیقات برای دستگیری دو متهم را ادامه دادند که ابتدا برادر دوم را بازداشت کردند و عصر دیروز هم قاتل ۱۸ ساله را که به محل حادثه بازگشته‌بود شناسایی و دستگیر کردند.

چهار متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند و از سوی بازپرس پرونده مورد بازجویی قرار گرفتند. متهمان همگی به درگیری خونین اعتراف کردند و فربرز هم با اظهار پشیمانی به قتل آمر امر به معروف و نهی از منکر اعتراف کرد. متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

به محل حادثه بازگشتم تا سر و گوشی آب بدهم که مأموران پلیس مرا دستگیر کردند.

فکر می‌کردی عاقبت شرارت و مزاحمت نتیجه‌اش این باشد؟
من شرور نیستم و این حادثه هم اتفاقی بود و اصلاً قصد نداشتم او را به قتل برسانم.

به نظرت کسی که چاقو همراه خودش دارد و در درگیری هم استفاده می‌کند ضرور نیست؟
اولین بار بود که چاقو همراه خودم آورده بودم و ای کاش آن شب چاقو را بر نمی‌داشتم.

حرف آخر

خیلی پشیمان هستم.



شلیک مرگبار سارقان مسلح

طلافروشی به عابر

سارقان مسلح پس از سرقت از طلافروشی در تبریز صاحب مغازه را زخمی کرده و عابری را با شلیک گلوله به قتل رساندند.

به گزارش جوان، ظهر دیروز سه‌سارق نقاب‌دار مسلح به مغازه طلافروشی در خیابان حجتی تبریز دستبرد زدند که در جریان آن صاحب مغازه را با شلیک گلوله زخمی کردند و پس از فرار نیز رهگدزی را با شلیک گلوله به قتل رساندند. سرهنگ هاشم شفعی، معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی با اعلام این خبر گفت: تلاش برای دستگیری سارقان مسلح ادامه دارد.

آکهی تغییرات موسسه خیریه سمانه دلچیان به شماره ثبت ۱۴ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۰۱۸۲۸

به استناد صورت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵ و به موجب تاییدیه شماره ۹۹/۳۰/۶/۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۹ اداره بهزیستی شهرستان دلچیان تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱. سید مصطفی جلالی به شماره ملی ۰۵۷۹۹۰۰۲۷۴۹ و علی رعیت حسین آبادی به شماره ملی ۰۵۷۹۸۸۱۶۵۲ و سید جلال جلالی به شماره ملی ۰۵۷۹۸۷۰۵۲۹ و سلطانعلی ابراهیمی به شماره ملی ۰۵۷۹۸۲۴۷۵۶ و سید سعید جلالی به شماره ملی ۰۵۷۹۷۲۱۴۱۸ برای مدت سه سال به عنوان اعضای هیئت مدیره انتخاب شدند.
۲. غلامعلی اسمعیلی به شماره ملی ۰۵۷۹۶۷۴۶۳۰ به سمت بازرس اصلی برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری دلچیان (۱۰۲۸۵۱۵)

آکهی مفقودی

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند پروانه حمل سلاح شکاری دولول ساجمه زنی کالیبر ۱۲ شماره ۲۶۰۰۴۲ مدل کوسه ساخت ترکیه به شماره سریال ۲۵۳۰۳۸۶ متعلق به آقای شسیرزاد اعتمادی فرزند مصطفی مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آکهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری ARRIZO5CVTIUXURY ای وی ام مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۷۳-۸۶۲ د ۷۲ به شماره موتور MVME4G15BABG001232 و شماره شاسی NAT-FCNH1001246 متعلق به آقای محمد کاظم کاوه با کدملی ۲۴۹۰۰۸۵۳۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آکهی مفقودی

سند و برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی ۸-۱ مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۷۳-۵۴۸ د ۹۸ به شماره موتور ۹۷۴۴۰۹۷۴۶ و شماره شاسی ۱۲۴۷۹۱۰۰ متعلق به آقای رسول خورشیدی با کدملی ۴۴۹۰۶۵۴۵۷۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز